

بسمی تعالی

بررسی عقد اخوت و انس در قرآن
و حدیث و اثرات فردی و اجتماعی آن

فهرست مطالب

چکیده.....	۳
کلمات کلیدی:.....	۳
مقدمه.....	۴
۱_ عقد اخوت.....	۴
۲_ پیمان اخوات میان چه کسانی بسته شده بود.....	۷
۳_ انصار و مهاجرین که بودند:.....	۷
۳_ ۱ اوس و خزرج که بودند:.....	۹
۴_ پیمان اخوت پیامبر اسلام (ص) با حضرت علی (ع).....	۱۰
۵_ عقد اخوت در قرآن.....	۱۱
۶_ عقد اخوت در احادیث.....	۱۲
۷_ اثرات فردی و اجتماعی پیوند برادری.....	۱۴
۷_ ۱ اثرات اجتماعی پیوند برادری.....	۱۴
۷_ ۲ پیامدهای سیاسی پیمان اخوت.....	۱۵
۷_ ۳ پیامدهای اقتصادی پیمان اخوت.....	۱۷
۸_ بازخورد پیمان اخوت میان مشرکان.....	۱۸
پیشینه‌ی تحقیق.....	۲۰
نتیجه.....	۲۴
منابع.....	۲۵

چکیده

در جامعه‌ی متعصب عرب جاهلیت دین اسلام به رهبری پیامبری صلح‌دوست، اقدام به پیوند اخوت میان کسانی زد، که از دیرباز در جنگ و اختلاف‌های دیرینه بودند. پیامبر (ص) با این اقدام آثار اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی زیادی را در جامعه بنیان نهادند، و در این راه حربه، و مکر منافقان، و دشمنان را با ذکاوت خویش خنثی نمودند. جامعه را با این پیوند اخوت رشد دادند، قلب‌ها را نزدیک کردند، باعث اتحاد، نزدیکی، و دوستی میان مسلمانانی شدند که هر لحظه دشمن برای ایجاد دودستگی، تفرقه، و از هم‌پاشیدنشان در تلاش بودند. پیامبر (ص) خود با حضرت علی (ع) پیمان برادری بستند، و این خود نشان از موقعیت والا و قرابت مقامی آن حضرت با ایشان را دارد. زیرا پیامبر (ص) عهد اخوت میان کسانی برقرار می‌کرد، که از جهات و مراتب بسیار مشابه و قرین هم بودند.

کلمات کلیدی: پیوند برادری_ عهد اخوت_ صدر اسلام_ انصار_ مهاجرین

مقدمه

اسلام در جامعه‌ای شروع به نشر و تربیت بشر زد، که در جنگ، و تفرقه، و ستیز قبیله‌ای شهره‌ی آفاق بودند. هر قبیله برپایه‌ی تعصبات قومی و نسبی بی‌حد و رویه‌ای در جهت پیشبرد اهداف خود می‌جنگید. این زمانی بود که منادی ندای آزادی سر داد، و بانگ اسلام در آن جامعه‌ی متعصب طنین‌انداز شد. پیامبر(ص) با ارتقای بینش اخوانی، نسبی جامعه عرب به سطح اخوت دینی و فاصله گرفتن از تعصبات خونی و نژادی، همچنین تبلیغات و تشویق‌های ایشان برای ایجاد پیوند برادری میان مسلمانان زمینه را برای فاصله گرفتن مسلمانان از سنت‌های جاهلی فراهم آورد. در واقع پیامبر(ص) آمد تا با شعار برادری طرز تلقی بشر آن روزگار را تغییر دهد و مبنا و فلسفه جدیدی در اندازد که الگوی زندگی اجتماعی و بینش اجتماعی / الهی انسان‌ها باشد و دیدگاه فلسفی انسان آن عصر را درباره فلسفه وجودی انسان متحول سازد و مبنای انسان‌شناسی نوینی پایه‌گذاری کند که ریشه در هستی‌شناسی، خداشناسی و توحید دارد. این که انسان‌ها همه از یک منشأ هستند و این منشأ هم به لحاظ خلقت و اراده خدایی در خلق انسان و هستی و هم به لحاظ حیات اجتماعی در صحنه عمل اجتماعی و سیاسی تجلی کند. ما در این جستار به چگونگی پیمان اخوت، کسانی که این عهد میانشان جاری شده، اثرات مثبت اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی این واقعه می‌پردازیم. و از دو منظر آیات رحمانی کلام‌الله مجید، و احادیث این رویداد را بررسی می‌کنیم.

۱_ عقد اخوت

در روز دوازدهم ماه مبارک رمضان سال اول قمری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امر خدا، میان هر دو نفر از مهاجر و انصار را پیمان برادری بست و آن دو را برادران دینی یکدیگر نمود. در این واقعه پیامبر اکرم (ص) خود با حضرت علی علیه السلام پیمان برادری بست. پیمان برادری اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در تحکیم بنیاد دولت نوپای اسلام دارد و علاوه بر آن مشخص کننده ویژگی‌ها و امتیازات خاص اسلام و حکومت اسلامی است. (گلپایگانی، ۱۳۹۲) در تعالیم دینی و متون مختلف اسلامی، کلمات و اصطلاحاتی مانند: امت، امت واحد، الفت و اخوت اسلامی، برادری دینی، وحدت اسلامی، اتحاد اسلامی، و دارالاسلام و... به کار رفته است که مفاهیم این واژه‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم، بر اهمیت، جایگاه و نقش برجسته وحدت و برادری در جامعه اسلامی دلالت دارد. واژه «برادری» در لغت بر برادر بودن. اخوت، مساوات، اخاء و مؤاخات دلالت دارد. (قوامی، ۱۳۸۶) با هجرت رسول خدا (ص) به مدینه، گروه‌های مختلفی از قبایل عرب مسلمان در آن جا گرد آمدند. و این موضوع از چند جهت مهم بود. نخست، اجتماع این گروه

ها با توجه به اختلافات فرهنگی اتبا اعم از آداب و رسوم ممکن بود مشکلاتی به همراه داشته باشد: ولی مهم‌تر از آن، ادامه روحیه تعصبات قبیله‌ای و منازعات دیرینه جاهلی بود که در اذهان و پیشینه افراد قبایل مختلفی که در مدینه گرد آمده بودند، باقی مانده بود. این روحیه ممکن بود بحران‌های سیاسی اجتماعی را به دنبال داشته باشد و بی آن که از طرف دشمن خارجی اقدامی صورت گیرد، به شکست حکومت نو پای اسلام بینجامد. از این رو رسول خدا (ص) در همان آغاز ورود به مدینه، به اقداماتی پرداخت که اثری عمیق بر زندگی اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی مسلمانان گرد آمده در مدینه گذاشت. از جمله این اقدامات برقراری «پیمان برادری» میان مسلمانان بود. بدین گونه که پیامبر (ص) هریک از اصحاب خود را با دیگری برادر نمود و خود، علی (ع) را به برادری برگزید. (هدایت‌پناه، ۱۳۸۱)

به‌طور کلی برادری در قاموس عرب چندین بار معنایی را در بر داشت:

- ۱ - برادری نسبی براساس پدر واحد (در سطح خانوادگی).
 - ۲ - برادری براساس برادرخواندگی، صمیمیت و دوستی برادرانه.
 - ۳ - برادری قبیله‌ای براساس تعصب قبیله‌ای و نیای واحد و یا در سطح کلان، اشتراک در خون و نژاد.
- همه این سه نوع برادری در شبه جزیره عربی عصر جاهلی وجود داشت و عصبیت قبیله‌ای و نسبی و قومی مبنای کلی آنها بود و رفتار سیاسی - اجتماعی جامعه عرب بر این اساس شکل می‌گرفت. برادران در مقابله با بنی‌اعمام خود با همدیگر متحد می‌شدند و در مقابل آنها قرار می‌گرفتند. بنی‌اعمام برای مقابله و مبارزه با تیره‌ها و رقبای دیگر با یکدیگر متحد می‌شدند و تیره‌ها و طوایف برای مقابله با تیره‌ها و طوایف رقیب به همدیگر نزدیک می‌شدند و قبایلی که از نسب واحدی بودند برای مقابله با قبایل دیگر صف‌آرایی می‌کردند و با اعضای قبیله خود متحد می‌شدند. این قانون معیار دفاع از کیان سیاسی - اجتماعی و اقتصادی قبیله بود. (بهرامی، ۱۳۸۰)

محمد (ص) پیامبر خدا، روز بزرگی را رقم زده بود؛ روزی که قنديل های قدیمی کینه و دشمنی‌های قبیله‌ای دیرینه آب می‌شد. مهاجر و انصار، اهالی مکه و مدینه و مؤمنان دیروز بعد از آن، روز با تدبیر پیامبر (ص) نامی تازه می‌گرفتند؛ «برادر». (محمدی، ۱۳۸۵) استقرار رسول خدا در مدینه، ضرورت‌های خاصی را به همراه داشت؛ از آن پس، مردم در انتظار نزول آیات قرآنی و فرمان‌های رسول خدا بودند تا بر اساس آنها زندگی نوین خود را شکل دهند. برای همگان روشن بود که در مدینه زندگی تازه‌ای شروع شده و ارزشهای دیگری جز آنچه در جاهلیت بود، مبنای زندگی جدید قرار گرفته است. شکل دادن به این

حیات اسلامی نوپا نیازمند اقداماتی بود که انجام دادن آنها جز در صلاحیت رسول خدا نبود. آن حضرت در طول حیات خود همواره در پی تشکیل جامعه موحد و مقتدری بودند که وحدت میان اعضای آن از لوازم ضروری آن جامعه بود؛ از این رو، مهاجرین و انصار که پرورش یافته در محیط مختلف بودند و در طرز تفکر و معاشرت فاصله زیادی با هم داشتند و ۱۲۰ سال با هم نبرد کرده و دشمنان خونی یکدیگر به شمار می‌رفتند. باید متحد می‌شدند؛ زیرا که با این اختلافات و مشکلات، ادامه حیات دینی و سیاسی میان آنها به هیچ وجه امکان پذیر نبود، ولی پیامبر(ص) تمام آن مشکلات را به گونه‌ای خردمندانه رفع کرد و در این راستا در اوایل حکومت خویش از طرف خدا مامور شد که مهاجرین و انصار را به یکدیگر برادر کند. (قوامی، ۱۳۸۶) بله با وجود تمام اختلافات قبیله‌ای در صدر اسلام پیامبر(ص) تمام این مشکلات را حل نمود زیرا از طرف خداوند مامور شد مهاجر و انصار را با هم برادر کند. روزی در یک انجمن عمومی به مسلمانان فرمود: «تَاخَوْا فِی اللّٰهِ اِخْوِیْنَ اِخْوِیْنَ»^۱ (آبیاری، ۱۳۶۸)

آنگاه که از سوی پیامبر(ص) به همه مسلمانان و مؤمنان اطلاع داده شد که برای نماز مغرب در مسجد حضور یابند، اصحاب با شوق تمام به مسجد آمدند و پشت سر پیامبر(ص) نماز خواندند. پس از نماز، حضرت برای آنها صحبت کرد و از اعمال نیک، نیت پاک و نیز برادری، مساوات و برابری که اساس وحدت و یگانگی معنوی مسلمانان است سخن گفت. همچنین از پاداشی که مهاجرین و انصار در مقابل خدمات خود به اسلام خواهند گرفت، شرح مبسوطی ارائه کرد و سپس اظهار داشت:

«ای مسلمانان و ای مؤمنان! برخی از شما به مکه آمدید و در عقبه، در دل شب با من بیعت کردید و مرا به شهر خود خواندید. برخی دیگر از آغاز اسلام به دین خدا درآمدید و در این راه هرگونه رنج و سختی را تحمل کردید و خلوص نیت و پاکی ایمان خود را نشان دادید. من اکنون به شما اعلام می‌دارم که شما افراد مهاجر و انصار برادر یکدیگرید. این برادری شما در آسمان منعقد شده و اکنون من عهد و پیمان و قضا و قدر را که بر ارواح ابدیت مانند علم الهی نقش بسته است، به شما اعلام می‌دارم. شما برادرید، برخیزید و برادر خود را در این جمع انتخاب کنید و یکی از برادران را برای خود برگزینید.» (قوامی، ۱۳۸۶)

۲- پیمان اخوات میان چه کسانی بسته شده بود

^۱ دوتا دوتا باهم برادر شوید

و میان دو قبیله بزرگ مدینه (اوس و خزرج) که بیش از یک صد سال گرفتار جنگ و خونریزی و اختلاف بودند، صفا و الفت ایجاد کرد و با اتحاد آنها، جبهه نیرومندی در مدینه به وجود آمد.

۲_۱ عهد اخوت میان مسلمانان و یهودیان

۲_۲ عهد اخوت میان مهاجران و انصار

۲_۳ عهد اخوت میان دو قبیله بزرگ مدینه اوس و خزرج

۲_۴ عهد اخوت میان رسول خدا (ص) و حضرت علی (ع) (نساج، دوازده امامی، ۱۳۹۵)

۳_انصار و مهاجرین که بودند:

انصار از یاران مخلص پیامبر (ص) و عموماً طرفدار اهل بیت (ع) و امام علی (ع) بودند و در میان اصحاب رسول خدا (ص) اکثریت یاران اهل بیت و امیر مؤمنان (ع) را تشکیل می دادند. آنان اگرچه به علت وجود رقیب قدرت مندی چون قریش و وجود منافقان طرفدار قریش، نتوانستند در جریان سقیفه آن گونه که لازم بود نقش خود را در دفاع آشکار از امیر مؤمنان و اهل بیت علیهم السلام به درستی ایفا کنند، ولی آنان همواره به اهل بیت و امام علی علیهم السلام علاقه مند بوده و با آنان دشمنی نداشتند. آنان به منظور جلوگیری از تسلط قریش که قصد محروم کردن اهل بیت را داشتند، در ماجرای سقیفه وارد شدند. (طالقانی، ۱۳۸۷)

در نتیجه رضایت و خشنودی خدا در آیه یاد شده روی یک عنوان کلی قرار گرفته و آن هجرت و نصرت و ایمان و عمل صالح است، تمام صحابه مادامی که تحت این عناوین قرار داشتند، مورد رضای خدا بودند و زمانی که از تحت این عناوین خارج شدند، از تحت رضایت خدا نیز خارج می شوند، و دیگر به آنها مهاجر و انصاری گفته نمی شود که مورد رضایت خداوند تبارک و تعالی قرار داشته باشند. (مکارم شیرازی ۱۳۷۶) همچنین انصار، نامی است که پیامبر (ص) آن را برای اوس و خزرج برگزید! آنان یمانی الاصل بودند و نسبشان به قبایل عرب قحطانی می رسید. آنها بعد از هجرت رسول خدا (ص) مدینه، آن حضرت را در مقابل دشمنانش یاری کردند، و به همین دلیل انصار نام گرفتند. خداوند متعال هم آنان را در قرآن بدین نام خوانده و فرموده است: *وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ*.^۲ (طالقانی، ۱۳۸۷)

^۲ توبه/ آیه ۱۰۰: پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت و آنها [نیز] از او خشنود شدند و باغ های بهشتی برای آنان آماده ساخته، که نهرها از پای درختانش جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند و اینست رستگاری و پیروزی بزرگ.

مهاجرین کسانی هستند که به دو قبله نماز خواندند و در جنگ بدر حضور داشتند، ولی انصار کسانی هستند که در بیعت عقبه اولی شرکت نمودند، که در منا حدود ۱۲ نفر و در بیعت عقبه دوم ۷۰ نفر از اهل مدینه با پیامبر (ص) بیعت کردند و عده‌ای نیز هنگامی که مصعب بن عمیر برای تعلیم قرآن کریم به مدینه رفته بود، ایمان آوردند. (طبرسی ۱۳۶۷)

پیمان اخوت میان مهاجرین، و یکی از کارهای مقدماتی از کارهای بسیار مهمی که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از تصمیم هجرت به مدینه انجام داد، پیمان برادری و عقد اخوتی بود که میان مهاجران بست، و هر دو نفر از آنها را روی مناسبت‌ها و ارتباط و سنخیتی که از نظر ظاهری یا اخلاقی داشتند طی مراسمی که انجام شد با یکدیگر برادر ساخت. و این عقد اخوت در آن هنگامی که تصمیم به مهاجرت دسته جمعی به مدینه داشتند، و خواه ناخواه با سختی‌ها و خطراتی مواجه بودند که نیاز به تعاون و همکاری در بالاترین سطح و باعالی‌ترین انگیزه یعنی انگیزه الهی و ایمانی و روی وظیفه دینی در میان آنها احساس می‌شد مهمترین عامل برای همبستگی و اتحاد آنها بود. و بهترین وسیله برای ایجاد صفا و صمیمیت بشمار می‌رفت. (محلاتی، ۱۳۸۸)

سخنان زیادی از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام در منابع آمده که انصار در آن، مورد ستایش و تمجید قرار گرفته‌اند. رسول خدا ص (ص) فرمود: «محبوب‌ترین مردم نزد من انصار است. من دوستِ دوستان انصار، و دشمن دشمنان آنها هستم. اگر هجرت نبود، من شخصی از انصار می‌شدم و اگر مردم در وادی‌ها و شعبه‌های گوناگونی بروند، من به وادی انصار می‌روم». پیامبر (ص) می‌فرمود: «دوست داشتن انصار نشانه ایمان، و دشمنی با آنها نشانه نفاق است. مومن انصار را دوست می‌دارد و منافق آنها را دشمن. هر کس آنها را دوست داشته باشد، خدا او را دوست می‌دارد و هر کس آنها را دشمن بدارد خدا او را دشمن می‌دارد. خدایا! انصار و فرزندان انصار و فرزندانِ فرزندان انصار و همسران آنها را ببخش و بیامرز. خدایا! انصار را که دین به آنها قائم و استوار است، عزیز گردان و آنان را نخستین کسانی از امت من قرار ده که وارد بهشت می‌شوند». هر کس بر انصار حاکم شود، باید سخن نیکانش را بپذیرد، و از جرم گناهکارانش بگذرد. گاهی می‌فرمود: «من از انصار و از اولاد انصار هستم». (طالقانی، ۱۳۸۷)

پیمان برادری اول که میان مهاجرین برقرار شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله افرادی را که با هم برادر ساخت از آن جمله بود: عمر را با ابوبکر، حمزه را با زید بن حارثه، عثمان را با عبد الرحمن بن عوف، زبیر را با ابن مسعود، عبادۀ بن حارث را با بلال، مصعب بن عمیر را با سعد بن ابی وقاص، ابو عبیده جراح را با

سالم مولی ابی حذیفه، سعید بن زید را با طلحه... البته عثمان آن روز در حبشه بود و رسول خدا غایب او را با عبد الرحمن بن عوف برادر ساخت. (محلّاتی، ۱۳۸۸)

۳-۱ اوس و خزرج که بودند:

«بین واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا واذکروا نعمه الله علیکم إذ کتتم أعداء فألف . قلوبکم فأصبحتم بنعمته إخواناً وکتتم علی شفا حفرة من النار فأنقذکم منها کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون».^۳ در این آیه قرآن به خوبی آشکار است خداوند بعد از سفارش مسلمانان به وحدت، به این نعمت اشاره می کند: که نتیجه سیاست ورزی های پیامبر اکرم (ص) در مدینه و بعدها مکه، ایجاد الفت و دوستی در جامعه بوده است و خداوند از این امر به عنوان نعمت یاد می کند. صاحب تفسیر روض الجنان، در شأن نزول این آیه می - نویسد: اوس و خزرج دو برادر بودند از مادر و پدر از میان ایشان عداوتی درافتاد به سبب سمیر و حاطب، سمیر، پسر زید بن مالک بود، احد بنی عمرو بن عوف. او خلیقی را از آن مالک بن عجلان الخزرجی بکشت؛ نام او حاطب بن الحرب من مزینه. به این سبب، از میان این دو قبیله کارزار و عداوت افتاد و مدت دراز بماند؛ تا اهل علم به اخبار عرب چنین گفتند که آن عداوت و حرب میان ایشان، صد و بیست سال ماند. و همچنین متصل شد تا به عهد رسول صلی الله علیه و اله که او به دعوت برخاست. خدای تعالی به برکت رسول و سعی او، آن عداوت برگرفت از میان ایشان. (نساج، دوازده امامی، ۱۳۹۵)

درست است، مهاجران خود مشکلاتی داشتند، از جمله رقابت های شدید قبیله ای و نیز کسانی که پیش از اسلام خون هایی ریخته و به مدینه گریخته بودند. انصار، یعنی اوس و خزرج نیز با هم جنگ صدساله داشتند. تضاد میان این دو طایفه به گونه ای بود که خبزرجیان نتوانستند به استقبال پیامبر (ص) به منطقه قبا، که اوسیان در آن حضور داشتند، بیایند و اسعد بن زراره مجبور شد تا شبانه، درحالی که چهره خود را پوشانده بود. به خدمت رسول خدا (ص) حاضر شود. (هدایت پناه، ۱۳۸۱)

۴- پیمان اخوت پیامبر اسلام (ص) با حضرت علی (ع)

پیامبر صلی الله علیه و آله همه را با هم برادر کرد و به گفته بسیاری از مورخان و محدثان، افرادی را که هم طراز و هم رتبه بودند، برادر قرار داد. بر این اساس، برای خود نیز باید برادری انتخاب می کرد. به راستی آن کس که لایق و شایسته این مکرمت باشد، کیست؟ و آن کس که بتواند، قرین و هم طراز پیامبر صلی الله علیه و آله باشد (جز در مقام نبوت) چه شخصیتی است؟ این انتخاب، یک انتخاب ساده نبود. یقیناً پیامبر

^۳ آل عمران/ آیه ۱۰۳

صلی الله علیه وآله کسی را برای خود انتخاب می‌کرد که از هر جهت شایسته باشد؛ برادری که همفکر و هماهنگ و هم زبان با او باشد و نسبت به جان و مال و هر چه دارد فداکار باشد و بتواند حق برادری رسول خدا را ادا کند. آری، به غیر از علی، کسی لایق چنین مقامی نبود که پیامبر در حقش فرمود: «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» علاوه بر علمای شیعه، محدثان مشهور و مورخان معروف و نویسندگان کتب سیره اهل سنت، مانند «حلبی»، «زینی دحلان» و «ابن هشام»، حدیث اخوت را روایت کرده‌اند. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳) امام علی (ع) بعد از همه با پیامبر (ص) پیمان اخوت بست، آن حضرت با پیامبر (ص) عرض کرد که اصحاب خود را با یکدیگر برادر کردی؛ ولی عقد اخوت میان من و دیگری برقرار نکردی؟ پیامبر (ص) در جواب فرمود: «به خدایی که مرا برای هدایت مبعوث کرد سوگند، به این علت کار برادری تو را عقب انداختم که می‌خواستم در پایان با تو برادر شوم تو نسبت به من مانند هارونی نسبت به موسی، جز اینکه پس از من پیامبری نیست، تو برادر و وارث منی.» (قندوزی، ۱۳۸۴)

هرکس که درباره این موضوع، به کتب شیعه و سنی رجوع کند، یقین حاصل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه وآله از بین همه اصحاب و خویشان، یگانه کسی را که به اخوت و برادری خود برگزید، علی علیه السلام بود و هر کس جز علی چنین ادعایی کند، کذاب و دروغگو است. چنان که احدی نیز به جز علی علیه السلام ادعای این فضیلت را نکرد و این امتیاز که متضمن سایر فضایل است، مخصوص آن حضرت می‌باشد. پیامبر صلی الله علیه وآله انتخاب خود را در چندین مکان مختلف صریحاً اعلام فرمودند:

۱. هنگام عقد اخوت بین مهاجرین.

۲. هنگام عقد اخوت بین مهاجرین و انصار.

۳. هنگام نزول آیه (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ).

۴. روز مباهله.

این انتخاب، بر اساس وحی و انتخاب خدا بود. خدا بین پیامبر صلی الله علیه وآله و علی علیه السلام برادری قرار داده بود؛ چنان که در «لیله المبيت»، شبی که مشرکان می‌خواستند پیغمبر را بکشند و علی جان خود را فدای جان پیامبر (ص) کرد و در بستر آن حضرت خوابید، به شرحی که در کتب معتبر اهل سنت است خدا در ضمن وحی که به جبریل و میکائیل کرد، فرمود: «أَفَلَا كُنْتُمْ مِثْلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ اخِيَتْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مُحَمَّدٍ» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳)

۵_ عقد اخوت در قرآن

دهمین آیه سوره حجرات^۴ که خداوند در آن از رابطه برادری میان مؤمنان و وظیفه مسلمانان در قبال هم سخن گفته است. بنابراین آیه، مؤمنان برادر یکدیگرند و در صورت وقوع درگیری بین آنان، دیگر مسلمانان وظیفه دارند آنان را آشتی دهند. مفسران منظور از اخوت در این آیه را برادری استعاری و اعتباری دانسته‌اند که فقط آثار اجتماعی در بر دارد و در نکاح و ارث اثری ندارد. رسول خدا (ص) پس از نزول این آیه میان صحابه عقد اخوت برقرار ساخت و علی بن ابی طالب را برادر خویش خواند.

این آیه به یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های اجتماعی مسلمانان اشاره کرده و مؤمنان را برادر یکدیگر معرفی می‌نماید و نزاع و درگیری میان آنان را درگیری میان برادران می‌نامد. از این رو به آنان دستور می‌دهد که در میان دو برادر خود، صلح و آشتی برقرار کنند: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ). همان اندازه که برای ایجاد صلح در میان دو برادر نسبی تلاش و کوشش می‌کنید باید در میان مؤمنان متخاصم نیز برای برقراری صلح به‌طور جدی و قاطع وارد عمل شوید. اخوت و برادری مسلمانان تنها در لفظ و در شعار نیست، بلکه در عمل و تعهدهای متقابل نیز همه خواهر و برادرند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴)

اعمال و رفتار و سلوک پیامبر(ص) و عملکرد سیاسی و اجتماعی وی در تمام دوران حیات تاریخی‌اش منشأ و ریشه در وحی الهی داشت و پیمان برادری و تفکر اخوانی وی برگرفته از تعالیم خدایی و آموزه‌های قرآنی بود. اهداف گوناگون اخوت را با مداقه و تفحص در متن آیات قرآن می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

۱. اصلاح امور مسلمانان به‌وسیله برادران دینی.
۲. توسعه برابری و برادری اجتماعی و اقتصادی (تحقق عدالت).
۳. رعایت حقوق برادران دینی در آیات ذکر می‌شود.
۴. رستگاری انسان با تقویت فضیلت‌های انسانی به‌وسیله تقوا و مبارزه با نژادپرستی و اصول طبقاتی.
۵. اجرای احکام الهی در توارث و وصایت و حقوق خانوادگی.
۶. ترویج حسن ایثار و انفاق.
۷. ایجاد اتفاق و اتحاد میان مسلمانان به منظور تحقق وحدت امت اسلامی.
۸. تعیین مرزبندی میان کفر و ایمان و اقامه ضروریات دین. (بهرامی، ۱۳۸۰)

۶_ عقد اخوت در احادیث

^۴ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ / مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید.

مؤلفان نخستین منابع تاریخ اسلام، به چگونگی مؤاخات میان مسلمانان مکه اشاره‌ای ندارند، بلکه تنها در کتاب‌های سیره، به این بحث اشاره شده و از آن به «مؤاخات الاولیاء» یاد کرده‌اند؛ چنان که ابن‌اثیر، ابن‌حبیب و جعفر مرتضی‌عاملی، با توجه به تاریخ مسلمان شدن برخی از افراد شرکت‌کننده در این مراسم روایت کرده‌اند که پیامبر(ص) پیش از هجرت، در مکه، بین مهاجرین عقد برادری و مواسات را اجرا نمود. همچنین روایات مربوط به زمان و مکان اجرای مؤاخات مهاجرین و انصار مختلف است. زمان آن در روایات سه ماه، پنج ماه، نه ماه، (پیش از ساختن مسجد یا هم زمان با آن) و نیز حتی یک سال پس از هجرت نیز گفته شده است. شیخ مفید، تصریح کرده است که پیمان برادری میان اصحاب در دوازدهم رمضان سال اول هجری رخ داده است که بنابر روایت انس، این مراسم در خانه او و بنابر روایات دیگر در مسجد انجام شده است. (قوامی، ۱۳۸۶)

ترمذی به سند خود از عبدالله بن عمر نقل می‌کند: پیامبر(ص) به علی(ع) فرمود: «تو برادر من در دنیا و آخرتی». خبر عقد اخوت اول پیامبر(ص) با علی را متقی هندی و ابن عساکر و بغوی و طبرانی و ابن عدی و دیگران نقل کرده‌اند. خبر عقد اخوت دوم را متقی هندی از طبرانی و دیگران نقل کرده‌اند و هیچ‌کس از علمای اهل سنت این احادیث را به‌طور کل یا خصوص عقد اخوت بین پیامبر(ص) و علی(ع) را انکار نکرده است. همچنین عمر بن خطاب، انس بن مالک، ابوذر غفاری، جابر بن عبدالله و ده تن دیگر از صحابه، از پیامبر(ص) نقل کرده‌اند که خطاب به علی(ع) فرمود: «تو برادر منی در دنیا و آخرت». و حدیث «اخوت» را قریب به هفتاد تن از علمای اهل سنت از جمله: ترمذی، نسائی، ابن ماجه، ابن عبدالله، ابن عساکر، طبری، ابونعیم اصفهانی، هیثمی و... نقل نموده‌اند.^۹

با توجه به احادیث بسیاری که درباره اخوت علی(ع) با پیامبر اکرم(ص) روایت شده است که شماری از آن‌ها از نظر سند معتبر می‌باشند، این مطلب از وقایع مسلم تاریخ اسلام و از فضایل و مناقب برجسته و مخصوص آن حضرت قلمداد گردیده است. در ادامه به بیان شواهد و اعترافاتی که برخی عالمان برجسته اهل سنت درباره حدیث اخوت داشته‌اند می‌پردازیم:

۱. ابو عبدالرحمن نسائی یکی از ابواب کتاب «خصائص امیرالمومنین علی بن ابی طالب(ع)» را به آن اختصاص داده و سه روایت را در این باره نقل کرده است.

^۹ سایت آیین رحمت/ معارف اسلامی و پاسخ به شبهات کلامی دفتر مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

۲. احمد بن حنبل، در کتاب «فضائل الصحابة» در باب مربوط به فضایل علی بن ابی طالب (ع)، اخوت را به عنوان یکی از فضایل آن حضرت بر شمرده و دو روایت را در این باره نقل کرده است.
۳. ابو عیسیٰ ترمذی، در باب «مناقب علی بن ابی طالب (ع)»، اخوت علی (ع) با پیامبر اکرم (ص) را به عنوان یکی از مناقب آن حضرت دانسته است.
۴. ابن اسحاق در کتاب سیره خود نوشته است: رسول خدا (ص) میان اصحاب خود اعم از مهاجرین و انصار، عقد اخوت برقرار کرد، سپس دست علی بن ابی طالب (ع) را گرفت و فرمود: «هذا أخي».
۵. حاکم نیشابوری در «کتاب الهجرة»، روایت عبدالله بن عمر درباره عقد اخوت میان اصحاب، و اختصاص علی (ع) به اخوت با پیامبر اکرم (ص) را از دو طریق نقل کرده است.
۶. ابن حجر عسقلانی نوشته است: آن گاه که پیامبر (ص) میان اصحاب خود پیمان برادری بست، به علی (ع) گفت: «أنت أخي» : تو برادر من هستی.
۷. محمد بن طلعه شافعی، پس از نقل شماری از روایات مربوط به فضیلت های علی (ع) یادآور شده است که این روایات از حیث معنا متواتر می باشند. سپس گفته است: برخی از این روایات بر ثبوت اخوت (برای علی (ع) صراحت دارد، و برخی بر این که منزلت او نزد پیامبر (ص) همانند منزلت هارون (ع) نزد موسی (ع) است دلالت دارد، و بعضی دیگر بیانگر این است که علی (ع) از پیامبر (ص)، و پیامبر (ص) از علی (ع) است. وی آن گاه به شرح روایات و فضیلت های یاد شده پرداخته که اولین آن ها حدیث «أنت أخي» و فضیلت اخوت است. ایشان یادآور شده است که رسول اکرم (ص) در برقراری پیمان برادری میان اصحاب، مماثلت و همگنی آنان را در مقام و شخصیت روحی و معنوی در نظر داشت. بر این اساس، میان ابوبکر با عمر، عثمان با عبدالرحمن بن عوف، طلحه با زبیر، ابوذر غفاری با مقداد بن عمر، معاویه بن ابی سفیان با حباب بن یزید مجاشعی، عقد اخوت برقرار کرد. از اینجا، حکم اختصاص علی (ع) برای برادری با پیامبر (ص) روشن می شود. این مطلب بر برتری جایگاه و مقام علی (ع) در دنیا و آخرت دلالت می کند. بدین جهت است که او در بسیاری از اوقات به آن افتخار می کرد و می گفت: «أنا عبدالله و أخو رسول الله لا يقولها أحد بعدی الا كذاب»: من بنده خدا و برادر رسول خدا (ص) هستم. کسی پس از من این مقام را ادعا نمی کند مگر این که بسیار دروغگو است. (موسوی عاملی، ۱۳۸۵)

۷_ اثرات فردی و اجتماعی پیوند برادری

اثرات اجتماعی از جمله اهداف مهم تأسیس نظام برادری، بعد اجتماعی آن است. عداوت و دشمنی و کینه-ای که از دوران جاهلیت در دل‌ها، به خصوص در میان انصار، باقی مانده بود، حقیقتی است که قرآن کریم چنین به آن تصریح کرده است: «... اذ کتتم أعداء...: آن هنگام که با هم دشمن بودید...». این عداوت، عداوتی ساده و ظاهری نبود که با میانجی‌گری یک یا چند نفر برداشته شود، بلکه عمق این معضل اجتماعی به گونه‌ای بود که خداوند به رسولش چنین خطاب می‌کند: «و دل‌های آنان را به هم الفت داد، اگر تمام آنچه روی زمین است، صرف می‌کردی که میان دل‌های آنان الفت دهی، نمی‌توانستی ولی خداوند در میان آنان الفت ایجاد کرد، او توانا و حکیم است».

بنابراین برادری تنها یک استراتژی سیاسی نبود که در قالب لفظ و شعار خلاصه شود، نیازی بود که به خوبی احساس می‌شد، اما پذیرش و تحقق برادری در آن جامعه کار آسانی نبود. این که از آنان خواسته شود، دشمنی‌های گذشته را کنار بگذارند. ممکن می‌نمود، اما اینکه پیوند برقرار کنند. آن هم به شکل مواخات، کاری بس بزرگ و مشکل بود. تنها ایمان به خدا توانست چنین هدفی را محقق سازد. (قوامی، ۱۳۸۶)

۷-۱ اثرات اجتماعی پیوند برادری

در سال نخست هجرت که مسلمانان توانستند برمبنای دیگری به همبستگی خود توجه کنند و هویت خود را نه در تعصب بر شاخصه‌های قبیله‌ای (چون حسب و نسب و حلف و قراردادهایی نظیر آن‌ها)، بلکه بر بنیاد اصول اسلامی استوار سازند؛ از این رو، پیامبر که با هوشیاری کامل توانست به جای مفهوم همبستگی قبیله‌ای، «ملت واحد» را جایگزین کند. به‌طور خلاصه، رسول خدا از مردمی کینه‌توز و کم‌خبر از قانون و نظام اجتماعی شهری، جامعه‌ای متحد، برادر، بلندنظر و فداکار به وجود آورد؛ گرچه سیاست خارجی برای هر حاکمی از اولویت‌های حکومتی اوست، تا زمانی که امنیت و صلح در درون جامعه حاکم نباشد، امکان برنامه‌ریزی در این مسیر وجود ندارد؛ لذا در یک انجمن عمومی رو به صحابه خود کرد و فرمود: «دو به دو با یکدیگر برادر دینی شوید». (قوامی، ۱۳۸۶)

بدون شک این عقد از جهت اجتماعی موجب تالیف قلوب و جلب محبت و احیای روحیه همکاری است از نظر معنوی نیز ثمره‌ای بس ارزنده دارد که همان تعهد شفاعت است. شفاعت اصلی است که ما برمبنای تعالیم قرآن آن را پذیرفته، و بدان معتقدیم، و می‌دانیم که خداوند متعال به هرکس بخواهد اذن شفاعت می‌دهد. یک دسته از شفاعت کنندگان در قیامت همان مؤمنانند، البته به اذن پروردگار. بنابراین انسان با خواندن

این عقد در حقیقت راهی به سوی رحمت و رضوان پروردگار عالم می‌گشاید ولی باید توجه داشت آثاری که بر برادری نسبی و برادری رضاعی چون محرمیت، ارث و صله رحم مترتب است، بر این برادری مترتب نیست. بنابراین دو نفر که با هم عقد اخوت می‌خوانند، باید از اختلاط با محارم یکدیگر خودداری کرده و بدانند که این عقد موجب نمی‌شود هر یک از آن دو نسبت به خواهران، دختران و مادر دیگری محرم شود. (۱۳۸۸)

در واقع پیامبر آمد تا با شعار برادری طرز تلقی بشر آن روزگار را تغییر داده و مبنا و فلسفه نئی در اندازد که الگوی زندگی اجتماعی و بینش اجتماعی_الهی انسان‌ها باشد و دیدگاه فلسفی انسان آن عصر را درباره فلسفه وجودی انسان متحول سازد و مبنای انسان‌شناسی نئی را پایه‌گذاری کند که ریشه در هستی‌شناسی و خداشناسی و توحید اعتقادی دارد. این‌که انسان‌ها همه از یک منشأند و این منشأ هم به لحاظ خلقت و اراده خدایی در خلق انسان و هستی و هم به لحاظ حیات اجتماعی در صحنه عمل اجتماعی و سیاسی تجلی کند. برادری مبلّغ برابری و همطرازی انسان‌هاست و ضد انسان‌کشی، ستمگری و فاصله اجتماعی و طبقاتی و نژادپرستی و برتری‌جویی نژادی. (بهرامی، ۱۳۸۰)

در میان اهداف متصور برای یک نظام مردم سالار دینی، همواره بر عدالت و بعضاً بر امنیت تأکید می‌شود و از عنصر مهم و تأثیرگذاری همچون الفت و دوستی غفلت می‌شود؛ درحالی که اهداف نظام سیاسی و اجتماعی اسلام را باید در سه گانه عدالت، امنیت و الفت جستجو کرد. برای مستدل ساختن این مدعا، نیازمند رجوع به تجربه نبوی و علوی هستیم. از همین رو، رویکرد نظری این تحقیق، تحلیلی_تاریخی است. (نساج، دوازده امامی، ۱۳۹۵)

همه انسان‌ها از نگاه اسلام و پیامبر(ص) از یک منشأ خدایی و قدسی‌اند و از یک کل واحد تنیده شده‌اند. همه فرزندان آدم و حوایند و اعتقاد به اراده الهی و تحقق آن اراده بر روی زمین و امانت‌داری الهی برعهده بشر است. تنها چیزی که سبب انشعاب و افتراق و نابرداری‌ها شده، آن جزء از اراده انسانی است که او را به جای این‌که به اتصال منبع واحد الهی و توجه به منشأ واحد خلقت انسانی و به‌سوی سرچشمه برادری بکشاند، برخلاف آن سرشت الهی به‌سوی خلاف آن جهت قدسی گام برداشته و از وحدانیت اجتماعی، اعتقادی به شرک اجتماعی، اعتقادی می‌کشاند. اسلام منادی مبارزه با شرک اعتقادی، اجتماعی است و جاودانه به‌سوی توحید در اعتقاد و عمل دعوت می‌کند. دعوت به برادری در سنت حضرت رسول(ص) از همین جا نشأت گرفته است. (بهرامی، ۱۳۸۰) به نظر بسیاری از جامعه‌شناسان، حیات اجتماعی یکی از

بنیادی‌ترین وجوه فرهنگ بشری است که با تحقق همبستگی اجتماعی محقق می‌شود. در برخی از جوامع کوچک، کوچک‌ترین دلیل برای همبستگی می‌تواند باعث شکل‌گیری آن جامعه باشد؛ اما بی‌گمان شکل‌گیری جوامع بزرگ‌تر که در آن انسان‌های گوناگونی در قالب خانواده‌های مختلف با فرهنگ‌ها، عقاید، اندیشه‌ها و... متفاوت‌تری زندگی می‌کنند، نمی‌تواند با دلایل کوچک و خرد حاصل شود. تحلیل جامعه صدر اسلام در مدینه و پس از هجرت از مکه نشان دهنده یک جامعه منسجم متشکل از خانواده‌های به هم پیوسته و مرتبط با یکدیگر است؛ جامعه‌ای که با وجود قومیت‌ها و قبیله‌های مختلف، پیروزی‌های پرشماری را در برابر جوامع بسیار قدیمی‌تر از خود به دست آورد. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین حرکت‌های اجتماعی پیامبر اسلام(ص)، در آن دوران، پیمان برادری بود. پیمانی که پیامبر(ص)، با آن، خانواده‌ها را به هم پیوند داد. این پیوندهای خانوادگی و برادر کردن پدر دو خانواده، تأثیر بسزایی در همبستگی آن جامعه سنتی داشت. (حسنی‌نسب، کریمی، ۱۳۹۸)

۷-۲ پیامدهای سیاسی پیمان اخوت

با نگاهی به روحیه ستیزه‌جویی مشرکان و ترس و وحشت آنان از گسترش اسلام در شبه جزیره عربستان، به نظر می‌رسد رسول اکرم(ص) هجرت خود و اصحابش را به مدینه پایان ماجرا ندانسته، بلکه بر عکس به خوبی می‌دانست که از هجرت، مبارزه اسلام با مشرکان وارد مرحله‌ای جدید خواهد شد. این نکته را می‌توان از وقایع و حوادثی که در طی ۱۳ سال دوران مکه واقع شده بود، به دست آورد. چگونه می‌توان تصور کرد که مشرکان از هجرت عده‌ای از مسلمانان به حبشه ساده نگذشتند، و خطرهای این موضوع را برای خود کاملاً درک کردند و تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا آنان را باز گردانند و مانع گسترش اسلام شوند، حال از تمام مسلمانان که به مدینه، در شبه جزیره عربستان و در چند قدمی مکه، هجرت کرده بودند، چشم پوشیده، آنان را به حال خود رها خواهند نمود؟! هر سیاستمداری این را به خوبی درک می‌کند، چه رسد به رسول خدا(ص). حتی خود انصار هم این را در هنگام پیمان عقبه دوم پیش بینی کرده بودند. با توجه به این نکته، می‌طلبید که پیامبر(ص) هر چه زودتر خود را برای هر گونه اقدامی آماده سازد و مدینه به یک نوع ثبات سیاسی دست یابد. (هدایت‌پناه، ۱۳۸۱)

دین اسلام برای پی‌ریزی و ساماندهی جامعه‌ای آرمانی، در درجه نخست به خانواده که در حقیقت جامعه‌ای کوچک است اهمیت داده و پس از آن به ارتباط با خویشاوندان سفارش کرده است و سپس در محدوده‌ای گسترده‌تر، مسلمانان را به داشتن روابط خوب با همسایگان امر کرده و سرانجام، دایره پیوند انسان‌ها را

به سطح جامعه گسترش داده است. همچنین با برقراری پیوند برادری میان مسلمانان و نیز وضع مجموعه‌ای از قوانین والای اخلاقی-اجتماعی، تشکیل یک جامعه یکپارچه بر پایه ایمان را عینیت بخشیده و به دیگر سخن، ساختار مدینه فاضله آرمانی را بنیان نهاده است. از سوی دیگر، در نظام اداری-سیاسی اسلام، بین روح و ماده، اخلاق و قانون و امور فردی و اجتماعی، پیوستگی و هماهنگی وجود دارد. برقراری عقد اخوت در صدر اسلام از آن جمله است. این رویداد، افزون بر این که بیانگر یک ارتباط فردی است، آثار اجتماعی فراوانی نیز دارد. (ناظم ۱۳۸۳)

۷-۳ پیامدهای اقتصادی پیمان اخوت

یکی از ابعاد درس آموز و هدایتگر سیره قولی و عملی پیامبر گرامی اسلام (ص)، بعد اقتصادی است. اقتصاد از جنبه‌های مهم زندگی انسان است که اگر در مسیر درست هدایت نشود، نه تنها آخرت بلکه دنیای انسان را نیز به تباهی می‌کشد. مسائلی همچون کار و تولید، توزیع، سرمایه‌گذاری و چگونگی مصرف، تجارت و ده‌ها موضوع دیگر محورهای اقتصادی هستند که دقت و توجه در سیره رسول خدا (ص) است به این موارد ما را به حیات طیبه رهنمون می‌نماید. اقتصاد و دین، در معنا بخشیدن به زندگی مادی و معنوی بشر و نیل به او به مدارج عالی کمال روحی، نقش تعیین کننده‌ای دارند و می‌توان گفت، در این جهت مکمل یکدیگرند. از سویی فردی و اجتماعی انسان‌ها، بدون اقتصاد شکوفا و رشد یافته، بسی تلخ، دشوار و قرین نکبت و بدبختی است. اقتصاد بیمار، زمینه‌ساز نابودی ارزشهای دینی و استیلاي سایه فقر، فساد، فحشا، جرم و جنایت بر زندگی بشر است. چه بسا انسان‌هایی که وامانده گرده نانی برای قطع نشدن رگ حیات خود هستند، نتوانند به تعالی معنوی بیاندیشند و از آرمان‌های انسانی و فضائل و مکارم اخلاقی، تصور و ترسیم روشن و شایسته‌ای داشته باشند. براین مبنا، رسول خدا (ص) تهیدستی را سخت‌تر از قتل و امیرمؤمنان علی (ع)، مردن و زیر خاک رفتن را بهتر از نادانی دانسته‌اند. (شریفی، نقی‌پور، حمیدی‌زاده، ۱۳۹۶)

مسلمانان پس از هجرت به مدینه از نظر اقتصادی در تنگنا بودند و مؤاخات می‌توانست تا حد بسیاری این مشکل را حل کند. آنچه در این باره مهم است، کیفیت و مقدار اثرگذاری این جنبه در ریشه هدف تأسیس نظام مؤاخات است. برخی از محققان، مانند دکتر عبدالعزیز الدوری اصلی مؤاخات را تنها در بعد اقتصادی و فقر مهاجران دانسته‌اند. او می‌گوید: «فلسفه مؤاخات، رفع مشکل اقتصادی و فقر مهاجران بوده است، از این رو در ارث با انصار شریک شدند. اما پس از بدر، به دلیل این که مهاجران غنایم بسیاری به دست

آوردند، این مشکل مرتفع گردید و مؤاخات نیز لغو شد.» مشکل اقتصادی مهاجران بدتر از مشکل اسکان آنان بوده است، زیرا طعام مدینه خرما بود که در فصلی خاص به دست اوس می‌آمد. با این حال بسیاری از انصار که نخل‌هایی داشتند، یک یا دو نخل را به مهاجران عاریه دادند و به همین علت به «نخیلات عاریات» معروف شدند به سبب همین مشکل، رسول خدا (ص) دستور داد که به مکان خود باز گردند و پس از فتح مکه نیز وجوب هجرت به مدینه را برداشت و فرمود: «لا هجرة بعد الفتح»^۶ (هدایت‌پناه، ۱۳۸۱)

۸_ بازخورد پیمان اخوت میان مشرکان

بدون شک پیمان مؤاخات میان مهاجران و انصار خوشایند دشمنان نبود. درباره کفار قریش، گرچه گزارش به خصوصی در این زمینه وارد نشده است، از نظر سیاسی این امر بسیار آشکار و طبیعی است که نبایستی این اتحاد مهم سیاسی از نظر آنان دور مانده باشد. آن گاه که ما شاهد وحشت قریش از اسلام آوردن اهل یثرب در پیمان عقبه هستیم، و اخبار دیگری نیز حکایت از آن دارد، مسلم نباید از پیمانی که رابطه بین این دو گروه گرد آمده در مدینه را مستحکم می‌کند و به نوعی اعلام صف آرایی در برابر مکه است، به راحتی چشم‌پوشند. شاید بتوان گفت با توجه به رابطه ای که منافقان و یهودیان مدینه با مشرکان مکه داشتند، کارشکنی‌ها و تفرقه افکنی آنان میان مهاجران و انصار از یک سو، و میان اوس و خزرج از سویی دیگر، با تحریک و تشویق مشرکان صورت می‌گرفته است. (هدایت‌پناه، ۱۳۸۱)

پیامبر اکرم (ص) نسبت به خیانت‌ها، کارشکنی‌ها و نقشه‌های خطرناک منافقان، که همیشه در میان جامعه اسلامی وجود دارند، به صورت جدی در امت خود و جامعه اسلامی احساس خطر میکردند و نسبت به آنها هشدار می‌دادند. آن حضرت (ص) در حدیثی، مسلمانان را به اهمیت و بزرگی خطر آنان چنین توجه می‌دهند: «إِنِّي لَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مُؤْمِنًا وَلَا مُشْرِكًا؛ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ.....»: من نسبت به امت خود، از مؤمن و مشرک نگرانی ندارم، چراکه مؤمن را خداوند به وسیله ایمانش از ضرر رسانیدن به امت منع می‌کند و مشرک را به وسیله شرکش به خواری می‌کشاند، زیرا چهره و دشمنی آنها میان همه شناخته شده است. ولی بر شما از منافقی هراس دارم که خوش‌زبان و آگاه به سخن گفتن است، آنچه را شما نیک می‌شمایید بر زبان جاری می‌کند و آنچه را شما زشت می‌دانید عمل می‌کند. (دانش، ۱۳۸۷)

^۶ دیگر هجرتی «از مکه» وجود ندارد؛ ولی جهاد و نیت باقی است.

اما درباره واکنش منافقان و یهود مدینه اخباری چند وارد شده که از شدت غضب و ناراحتی آنان از این پیمان حکایت دارد. آنان برای این که این پیوند و الفتی را که به برکت مؤاخات میان مسلمانان حاصل شده، برهم زنند و آن را به دشمنی تبدیل کنند، از هیچ کوششی دریغ نورزیدند. منافقان و یهودیان با مطرح کردن و دامن زدن به مسائل اختلاف برانگیز و روشن نمودن آتش کینه‌های جاهلی می‌خواستند به چنین هدفی دست یابند. داستان «شاس بن قیس یهودی» که با یادآوری جنگ بعث و کشته‌های اوس و خزرج نزدیک بود تا مدینه را در آتش جنگ داخلی فرو برد، از جمله این تلاش‌ها بود. (هدایت‌پناه، ۱۳۸۱)

موضع پیامبر(ص) در قبال پدیده نفاق، موضع طبیعی بود که محیط پرورش و رشد میکروب را از هر جهت محدود و سپس منافذ ادامه حیات آن را مسدود می‌کند تا میکروب‌ها امکان هرگونه نشاط و فعالیت خود را از دست بدهند. رسول خدا (ص) با پدیده نفاق از آغاز پیدایش آن، به عنوان یک پدیده اجتماعی و روانی برخورد کردند و از برخورد سیاسی رسمی با آن پرهیز نمودند. از اینرو، برای رفع این مشکل، از ابزارها و امکانات روانی و اجتماعی بهره گرفتند. به همین دلیل، رفتار آن حضرت در برابر منافقان عمدتاً عناوینی اخلاقی به خود می‌گرفت، تا سیاسی. مدارا، که یک رفتار اخلاقی است، اصلی‌ترین الگوی رفتاری پیامبر(ص) در برابر منافقان به شمار می‌آید. در ضمن، پیامبر(ص) در برخورد با منافقان، تدابیری می‌اندیشیدند و به گونه‌ای رفتار می‌کردند که نتیجه آن، انزوای اجتماعی منافقان و مصونیت‌بخشی به جامعه اسلامی از تأثیرگذاری منفی آنان بود، و گاهی نیز برای جلوگیری از فتنه‌انگیزی آنان، به اعمال خشونت دست می‌زدند. البته هیچگاه به قتل آنان اقدام نکردند. (دانش، ۱۳۸۷)

به عنوان مثال یک بار که به رسول خدا(ص) خبر رسید که منافقان در مسجد جمع می‌شوند و سخنان تفرقه‌انگیز نقل می‌کنند. پیامبر(ص) به مسلمانان دستور داد تا آنان را با وضع خفت باری از مسجد بیرون اندازند. همچنین سرزنش انصار از کمک به مهاجران که از جمله اهداف مؤاخات به شمار می‌رود، راه دیگری برای تضعیف اتحاد میان این دو گروه مسلمان بود. (هدایت‌پناه، ۱۳۸۱)

با آنکه منافقان آزادی زیادی داشتند، حتی می‌توانستند سخنان کفرآمیز بر زبان بیاورند و(نسبت به پیامبر اکرم(ص) سخنان ناروا بگویند، ولی هرگاه رسول خدا(ص) احساس می‌کردند که این‌ها هسته نفاق تشکیل داده‌اند و به صورت سازمان‌یافته در مقابل مسلمانان فعالیت کرده، کارشکنی می‌کنند، در برابرشان می‌ایستادند و از فتنه‌انگیزی آنان جلوگیری می‌کردند. (دانش، ۱۳۸۷)

نمونه دیگر، در جنگ بنی المصطلق بود که به سبب یک سوء تفاهم، میان یکی از مهاجران و یکی از انصار نزاعی در گرفت. عبدالله بن ابی از این فرصت سوء استفاده کرد و با سخنان خود، انصار را برضد مهاجران تحریک کرد. اگر نبود تلاش‌ها و سخنان رسول خدا (ص) از یک سو، و نزول آیاتی چند درباره یهودیان و منافقان، که پرده از نیت شوم آنان برداشت. و سرزنش مسلمانان که با ساده لوحی، گاه پاسخ مثبت می‌دادند، شاید آنان در توطئه‌های خود پیروز می‌شدند و مسلمانان را از درون به ضعف و نابودی می‌کشاندند. (هدایت‌پناه، ۱۳۸۱) البته آن حضرت همیشه نقشه‌های آنان را خنثا می‌کردند و در مورد شایعه‌سازی‌های آنان، حقیقت مطلب را به آگاهی مسلمانان می‌رساندند و گاهی نیز از خشونت بهره می‌گرفتند: ولی به اندازه‌ای که هسته نفاق آنان از هم بپاشد و نقشه‌هایشان عملی نگردد. همچنین از این تحقیق، به دست می‌آید که مهمترین روش پیامبر(ص) برای جلوگیری از فتنه‌انگیزی منافقان و مصونیت‌بخشی به جامعه اسلامی، منزوی کردن و مطرود نمودن آنها در درون جامعه اسلامی بود. در نتیجه برخوردهای مدبرانه پیامبر و نزول آیاتی از قرآن کریم در معرفی هویت منافقان حساسیت‌ها نسبت به منافقان برانگیخته شد و در نتیجه، موقعیت و تأثیرگذاری آنان در جامعه اسلامی به تدریج سقوط کرد. (دانش، ۱۳۸۷)

پیشینه‌ی تحقیق

حمید نساج، و سیدمحسن دوازده‌امامی (۱۳۹۵) در مقاله‌ی «تبیین غایت شناختی نسبت الفت و نظام سیاسی در اسلام» چنین بیان داشته‌اند:

یکی از مهم ترین اهداف نظام سیاسی در اسلام که تحقق الفت، مودت و دوستی است. در بیشتر آثار مربوط به نظام سیاسی اسلام، معقول و مهجور مانده است. در میان اهداف منصور برای یک نظام مردم سالار دینی، همواره بر عدالت و بعضاً بر امنیت تأکید می‌شود و از عنصر مهم و تأثیرگذاری همچون الفت و دوستی غفلت می‌شود؛ درحالی که اهداف نظام سیاسی و اجتماعی اسلام را باید در سه گانه عدالت، امنیت و الفت جست و جو کرد. دین اسلام به شهر مدینه وارد شده است؛ شبکه قدرت در این شهر، از رؤسای قبایلی که مشرک بودند، کوشش پیامبر(ص) تا بر آن بود که ملاک نسب را که میراث جاهلی بود، به ملاک عقیده تغییر دهد. پیامبر اکرم(ص): در مدینه به جای واژه های قومی چون بنی هاشم، قریش، اوس و خزرج، از واژه های خنثی نسبت به قبیله، چون مهاجر و انصار مدد گرفت و کوشید مفهوم «قبیله» را با مفهوم «امت» جایگزین سازد. جایگاه شرفای قبایل در نظام حکومتی پیامبر(ص)، جای خود را به صحابه داد و به جای ملاک نسب و بزرگی پدر، سبقت در اسلام، حضور در جنگ پدر و... اهمیت یافت. قرآن نیز از خطاب‌های

«یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» بهره بسیار گرفت. پیامبر اکرم(ص) نخستین نیاز و ضرورت برای بنیان گذاری یک مدینه را، طراحی و تدوین یک بنیان نظری و چهار چوب قواعد اساسی در قالب یک قرارداد و پیمان نامه عمومی و مورد توافق همگان دانست و به این امر مبادرت ورزید، این قرارداد، بین حضرت محمد(ص)، مؤمنان مسلمان قریشی و بشری، و سایر افراد و قبایلی بسته شد که در بشرب و حومه زندگی می کردند. پیامبر اکرم(ص) نخستین پیمان نامه خویش در مدینه را این گونه آغاز کرد: «هذا کتاب من محمد التی بین المؤمن والمسلمین من قریش و یشرّب و من فلقح بهم و جاهد معهم أنهم أنه واحد من دون الناس». به این ترتیب، پیامبر(ص) می کوشید با خلق نوعی عصبيت دینی و روابط تضامنی بین مؤمنان، قبیله و کارکردهای حمایتی و هویت بخشی آن را به حاشیه براند.

طلعت ده پهلوانی (۱۳۹۳) در مقاله‌ی «پیمان برادری میان مهاجر و انصار» چنین نوشته است:

انعقاد پیمان برادری میان مسلمان (مهاجرین، انصار) در مدینه به عنوان یکی از مهم ترین و نخستین اقدامات سیاسی، اجتماعی پیامبر اسلام(ص)، پس از هجرت از مکه به مدینه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که رمز تشکیل امت واحده در صدر اسلام را در خود نهفته دارد. پیامبر(ص) به یاری انصار به عنوان یک گروه اجتماعی خارج از مکه توانست، پایگاه قدرتمندی برای حمایت وی و یارانش در مقابل اشراف مکه فراهم کند و همچنین موقعیت حساس شهر یثرب برای پیامبر(ص) اهمیت ویژه‌ای داشت. عقد و پیمان اخوت دینی، دشمن‌های دیرینه نسبی و اختلافات قبیله‌ای را کاهش می داد، رسوم جاهلی و اسباب تفاخر را درهم می شکست، امتیازات نسبی را از بین می برد و روحیه صفا و برادری دینی جانشین آن می شد. یکی از کارکردهای پیمان اخوت در آغاز، احساس مسئولیت بیشتر مسلمانان نسبت به یکدیگر خصوصاً در مسائل مالی بود. زمانی که مسلمانان دو به دو با هم برادر شدند، هر یک از آنها و به ویژه انصار، می کوشیدند تا برادران دینی خود را در مواقعی که نیاز مالی دارند، حمایت کنند؛ به طوری که عده‌ای از انصار، حتی حاضر شدند نیمی از اموال خود را به مهاجرین ببخشند. تا وقوع جنگ احد در واقع عقیده هر یک از شرکت کنندگان در پیمان نسبت به برادر خود چنان بود که می توانستند از میراث برادر خود سهم ببرند. سلیمان قندوزی می گوید: امام علی(ع) بعد از همه با پیامبر(ص) پیمان اخوت بست، آن حضرت با پیامبر(ص) عرض کرد که اصحاب خود را با یکدیگر برادر کردی؛ ولی عقد اخوت میان من و دیگری برقرار نکردی؟ پیامبر(ص) در جواب فرمود: «به خدایی که مرا برای هدایت مبعوث کرد سوگند، به این علت کار برادری

تو را عقب انداختم که می‌خواستم در پایان با تو برادر شوم تو نسبت به من مانند هارونی نسبت به موسی، جز اینکه پس از من پیامبری نیست، تو برادر و وارث منی.»

رمضان قوامی‌دربندی، (۱۳۸۶)، در مقاله‌ی «عقد اخوت؛ عامل وحدت در مدینه‌النبی» چنین نوشته است:

یکی از این پیمان‌ها که از مهمترین ابتکارهای پیامبر(ص) در به کارگیری عامل وحدت دینی در مدینه‌النبی به شمار می‌رود، «پیوند اخوت و برادری دینی» مسلمانان است که پیامبر آن را به کار بست تا جامعه‌ای آرمانی و به دور از تفرقه افکنی به وجود آورد. چرا که اخوت اسلامی از برنامه‌های بسیار ارزشمند اسلام است که مراعات و عدم مراعات آن، در سعادت و سرافرازی جامعه اسلامی به غایت مؤثر و معیار خوشبختی و بدبختی جامعه اسلامی است. استقرار رسول خدا در مدینه، ضرورت‌های خاصی را به همراه داشت؛ از آن پس، مردم در انتظار نزول آیات قرآنی و فرمانهای رسول خدا بودند تا بر اساس آن‌ها زندگی نوین خود را شکل دهند. برای همگان روشن بود که در مدینه زندگی تازه‌ای شروع شده و ارزش‌های دیگری جز آنچه در جاهلیت بود، مبنای زندگی جدید قرار گرفته است. شکل دادن به این حیات اسلامی نوپا نیازمند اقداماتی بود که انجام دادن آنها جز در صلاحیت رسول خدا(ص) نبود. آن حضرت(ص) در طول حیات خود همواره در پی تشکیل جامعه موحد و مقتدری بودند که وحدت میان اعضای آن از لوازم ضروری آن جامعه بود؛ از این رو، مهاجرین و انصار که پرورش یافته دو محیط مختلف بودند و در طرز تفکر و معاشرت فاصله زیادی با هم داشتند و ۱۲۰ سال با هم نبرد کرده و دشمنان خونی یکدیگر به شمار می‌رفتند، باید متحد می‌شدند؛ زیرا که با این اختلافات و مشکلات، ادامه حیات دینی و سیاسی میان آن‌ها به هیچ وجه امکان پذیر نبود، ولی پیامبر(ص) که تمام این مشکلات را به گونه‌ای خردمندانه رفع کرد و در این راستا در اوایل حکومت خویش از طرف خدا مأمور شد که مهاجرین و انصار را با یکدیگر برادر کند. پیامبر(ص) با هوشیاری کامل توانست به جای مفهوم همبستگی قبیله‌ای، «ملت واحد» را جایگزین کند. و از مردمی کینه توز و کم خیر از قانون و نظام اجتماعی شهری، جامعه‌ای متحد، برادر، بلند نظر و فداکار به وجود آورد؛ چرا که گرچه سیاست خارجی برای هر حاکمی از اولویت‌های حکومتی اوست، تا زمانی که امنیت و صلح در درون جامعه حاکم نباشد، امکان برنامه‌ریزی در این مسیر وجود ندارد؛ لذا در یک انجمن عمومی رو به صحابه خود کرد و فرمود: «دو به دو یا یکدیگر برادر دینی شوید».

روح‌الله بهرامی، (۱۳۸۰) در مقاله‌ی «پیمان موآخات» چنین نوشته است:

در حلقه اجتماع انسان های مؤمن همه را برادر خویش بدانند و برای نجات برادران ایمانی و خدایی خویش از هیچ تلاشی فروگذاری نکنند. این گونه برادری، منادی و مروج نوعی بینش است که در آن همه کینه ها، نفرت ها، جهل ها، حق کشی ها و نابرابری ها کنار گذاشته می شود و همه مردم در جامعه اسلامی برای تحقق اجتماعی برادرانه تلاش می کنند که در آن برابری و عدالت تمام بت های موهوم طبقاتی و امتیازات ستمگرانه را از روی کره خاکی و صفحه زندگی اجتماعی نیست و نابود می کند، و با حذف دوگانه گرایی ها و تفرقه ها و تضادها، وحدت و یکتایی را نوید می دهد. پس جهان بینی توحیدی و اجتماعی حضرت رسول و آیین اسلام، منادی نظام توحیدی اجتماعی در صحنه عمل اجتماعی است تا با ایجاد جامعه ای برادروار و برابروار قطب های طبقاتی و امتیازات ناحق و ناشایسته زمان را در هم بریزد و زیربنای اجتماعی اقتصادی جهان و جوامع نابرابر را با شعار توحید اعتقادی اجتماعی دگرگون سازد. در واقع پیامبر (ص) آمد تا با شعار برادری طرز تلقی بشر آن روزگار را تغییر داده و مبنا و فلسفه نوی دراندازد که الگوی زندگی اجتماعی و بینش اجتماعی الهی انسان ها باشد و دیدگاه فلسفی انسان آن عصر را درباره فلسفه وجودی انسان متحول سازد و مبنای انسان شناسی نوی را پایه گذاری کند که ریشه در هستی شناسی و خداشناسی و توحید اعتقادی دارد. این که انسان ها همه از یک منشأند و این منشأ هم به لحاظ خلقت و اراده خدایی در خلق انسان و هستی و هم به لحاظ حیات اجتماعی در صحنه عمل اجتماعی و سیاسی تجلی کند. برادری مبلغ برابری و همطرازی انسان هاست و ضد انسان کشی، ستمگری و فاصله اجتماعی و طبقاتی و نژادپرستی و برتری جویی نژادی. از آن جا که هدف رسالت پیامبر ایجاد قسط در جامعه اسلامی بود، بدون تردید تحقق این موضوع جز از راه اخوت دینی و برادری و الفت میان مجموع مسلمانان امکان پذیر نبود، زیرا تنها با احساس برادری و الفت دینی است که دل های مسلمانان به هم نزدیک می شود و تعاون و همکاری برای ساختن امت اسلام به وجود می آید و ایثار و از خودگذشتگی به خاطر برادران دینی معنا پیدا می کند و برابری و قسط اسلامی در سایه اخوت اعتقادی محقق می شود. از این رو پیامبر اسلام (ص) از آغاز به ترویج و تبلیغ بینش اخوانی میان مسلمانان همت گماشت، و ضمن توجه دادن مسلمانان به آیات الهی در باب وظیفه و مسئولیت مسلمانان در برابر یکدیگر به عنوان برادران دینی، در عمل نیز برای ایجاد اتحاد و برادری تلاش وافر کرد و کوشش نمود مفهوم برادر دینی را از مفهوم برادر سنتی رایج میان جامعه عرب جدا نماید و مفهوم نو برادری دینی را در خدمت حق طلبی، عزت و حرمت انسان قرار دهد.

نتیجه

درست زمانی که تفرقه بیداد می‌کرد، و مواضع و پایه‌های دین اسلام را به خطر تزلزل و چند دستگی و تضاد طبقاتی، و نژادی، تهدید می‌کرد، پیامبر(ص) در مدینه، بین تمام مهاجرین و انصار پیمان اخوت برقرار کرد و از میان مهاجر و انصار علی(ع) را بر دیگران ترجیح داد و میان او و خود پیمان اخوت ایجاد کرد. این واقعه در بسیاری از منابع اهل سنت نیز ذکر شده است. حدیث «اخوت» را قریب به هفتاد تن از علمای اهل سنت از جمله: ترمذی، نسائی، ابن ماجه، ابن عبدالله، ابن عساکر، طبری، ابونعیم اصفهانی، هیشمی و... نقل نموده‌اند. و دهمین آیه سوره حجرات که خداوند در آن از رابطه برادری میان مؤمنان و وظیفه مسلمانان در قبال هم سخن گفته است. بنابر این آیه، مؤمنان برادر یکدیگرند و در صورت وقوع درگیری بین آنان، دیگر مسلمانان وظیفه دارند آنان را آشتی دهند. مفسران منظور از اخوت در این آیه را برادری استعاری و اعتباری دانسته‌اند که فقط آثار اجتماعی در بر دارد و در نکاح و ارث اثری ندارد. رسول خدا (ص) پس از نزول این آیه میان صحابه عقد اخوت برقرار ساخت و علی بن ابی طالب را برادر خویش خواند. احادیث بسیاری در راستای تأیید این واقعه نقل شده، که به ذکر تعدادی از آن‌ها پرداخته شده. پیامدهای عهد اخوت در جامعه‌ی صدر اسلام چه از نظر سیاسی، چه از منظر اقتصادی و مبارزه با فقر، و چه از نگاه اجتماعی بسیار پر بار بوده، و توانست در جهت اتحاد و همسو ساختن مسلمانانی که سالیان دراز در جنگ و ستیز و تفرقه بودند موفق عمل کند.

منابع

- ۱) آبیاری، ابراهیم (۱۳۶۸) ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱۲، ص ۵۰۵.
- ۲) بهرامی، روح‌الله (۱۳۸۰) پیمان موآخات، مجله تاریخ اسلام، ش ۸
- ۳) محمدی، عباس (۱۳۸۵) مجله اشارات ایام (اشارات) مهر ۸۵، شماره ۸۹ انجام عقد اخوت میان رسول خدا و حضرت علی علیه السلام
- ۴) محلاتی، رسول (۱۳۸۸) پیمان اخوت میان مهاجرین و یکی از کارهای مقدماتی، درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام، فصل ششم، هجرت به مدینه، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۴
- ۵) مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۶) تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، هجدهم، ۱۳۷۶. ج ۸، ص ۱۱۰-۱۰۹
- ۶) مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۲، ص ۱۷۲
- ۷) موسوی عاملی، علامه سید عبدالحسین شرف الدین (۱۳۸۵) المراجعات، انتشارات انصاریان
- ۸) پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، (۱۳۸۸) برگرفته از سایت: <https://hawzah.net>
- ۹) دانش، محمّدقدیر (۱۳۸۷) رسول خدا (ص) و استراتژی ایشان در برابر نفاق، معرفت، ۱۳۸۷، ش ۲۹، ص ۲۶۵
- ۱۰) ده‌پهلوانی، طلعت، (۱۳۹۳) پیمان برادری میان مهاجر و انصار، بانک مقالات پژوهش، پژوهشکده باقرالعلوم، آبان، ۹۳
- ۱۱) حسینی‌نسب، مرتضی، کریمی ریحانه، (۱۳۹۸) تحلیل نقش خانواده در پیمان برادری براساس نظریه همبستگی اجتماعی دورکیم، نشریه نشریه مطالعات جنسیت و خانواده « دوره ۷، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
- ۱۲) هدایت‌پناه محمدرضا، (۱۳۸۱) جایگاه پیمان برادری در حکومت نبوی، نشریه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، آبان و آذر ۸۱، ش ۶۱
- ۱۳) قوامی، رمضان (۱۳۸۶) عقد اخوت؛ عامل وحدت در مدینه‌النبی، عامل وحدت در مدینه‌النبی، نشریات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه قم، ۱۷ مهر ۱۳۹۶، صص ۱۳۶-۱۵۸
- ۱۴) قندوزی، سلیمان، (۱۳۸۴) ینابیع الموده، نجف اشرف
- ۱۵) شریفی صدیقه، نقی‌پور ولی‌الله، حمیدی‌زاده محمدرضا (۱۳۹۶) تبیین راهبردهای اقتصاد مقاومتی در سیره پیامبر اکرم، مطالعات مدیریت راهبردی شماره ۳۲ زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۳۷-۱۸۱
- ۱۶) ناظم احمد، (۱۳۸۳) پیمان پایدار ویژه‌نامه عقد اخوت؛ سنت دیرپای اسلام، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، سروش مهر، چاپ اول
- ۱۷) نساج حمید، دوازده امامی، سیدمحسن (۱۳۹۵) تبیین غایت شناختی نسبت الفت و نظام سیاسی در اسلام، پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال ۴، ش ۹، بهار و تابستان ۹۵، صص ۱۱-۲۹
- ۱۸) صافی گلپایگانی، (۱۳۹۲) رمضان در تاریخ، قم، ص ۹۲
- ۱۹) صافی گلپایگانی، (۱۳۹۳) عقد اخوت پیامبر (ص) با علی (ع) برتری امیرالمومنین را بر همگان ثابت کرد، خبرگزاری مهر، ۱۹ تیر ۹۳
- ۲۰) طالقانی سعید، (۱۳۸۷) انصار و امیرمومنان (ع)، تاریخ در آینه پژوهش، ۸۷ ش ۱۷
- ۲۱) طبرسی (۱۳۶۷) تفسیر جوامع الجامع، انتشارات مهر، ج ۲، قم، ص ۷۹